

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه جلسه گذشته

مرحوم آخوند قدس سره فرمودند که علم اجمالی علیت تامه برای تنجز تکلیف را ندارد و مقتضی است؛ و مقصودشان از مقتضی این است که شارع می‌تواند در مواردی که علم اجمالی وجود دارد - در شبهات وجوبیه -، اذن در ترك بدهد؛ و یا در شبهات تحریمیه اذن در فعل بدهد. بنابراین، اگر علم اجمالی بخواهد مؤثر واقع شود، باید يك حکم ظاهری (اماره یا اصل) بر خلاف واقع نشود؛ اماره یا اصل بر خلاف، عنوان مانع را دارد و مانع از منجزیت فعلیه علم اجمالی است. همینطور روشن است که مقصود مرحوم آخوند این نیست که در موضوع احکام واقعیه علم تفصیلی وجود دارد؛ بلکه مقصود ایشان این است که اگر يك حکم واقعی، حکمی که در لوح محفوظ است، بخواهد فعلی من جمیع الجهات باشد، باید مکلف بدان علم پیدا کند و اماره یا اصلی بر خلاف آن قائم نشده باشد. حالا ببینیم که آیا فرمایش مرحوم آخوند درست است یا نه؟

نقد و بررسی سخن مرحوم آخوند

عرض کردیم عمده فرمایش آخوند متمرکز روی این قسمت است که مرتبه‌ی حکم ظاهری در علم اجمالی محفوظ است؛ و گفتیم که مقصود ایشان همان احتمال چهارمی است که در کلام اصفهانی هست؛ بدین معنا که موضوع حکم ظاهری محقق است. نسبت به هر کدام از اطراف علم اجمالی شك داریم، و در این هنگام نوبت به حکم ظاهری می‌رسد.

کلام مرحوم نائینی

مرحوم محقق نائینی با این فرمایش آخوند مخالفت کرده و فرموده است: ما اگر بخواهیم بگوییم مرتبه حکم ظاهری در موارد علم اجمالی محفوظ است، بین این حکم ظاهری و بین آن حکم واقعی معلوم بالاجمال تناقض پیش می‌آید. ایشان در کتاب فوائد صفحه 76 چنین مطلبی را به همین مقدار بیان می‌کنند و گویا آنچه را که مرحوم آخوند در کفایه در جواب این اشکال بیان کرده‌اند را می‌گویند در اینجا جریان ندارد. ایشان فرمودند: بله، شارع می‌تواند اذن در ارتکاب بعضی از اطراف را بدهد و مانعی ندارد، اما اگر اذن در ارتکاب جمیع الاطراف را داد، بین این حکم ظاهری (ترخیص) و بین آن حکم واقعی معلوم بالاجمال مناقضه‌ای وجود دارد.

کلام مرحوم عراقی

مرحوم محقق عراقی نیز با مرحوم آخوند مخالفت کرده‌اند. بیان ایشان در اینجا از بیان مرحوم نائینی دقیق‌تر است. ایشان می‌فرمایند: ما حکم ظاهری را در جایی صحیح می‌دانیم که نسبت به حکم واقعی شك داشته باشیم و هیچ احتمال تکلیف منجزی را ندهیم؛ به عبارت دیگر می‌فرمایند: حکم ظاهری در جایی است که هیچ شائبه تکلیف منجزی وجود نداشته باشد؛ اما اگر در جایی یقین دارید که تکلیف منجزی هست، یا احتمال تکلیف منجزی را بدهید، دیگر جایی برای حکم ظاهری نمی‌ماند؛ برای این که معنای احتمال تکلیف منجز این است که اگر مخالفت کنید، معصیت کرده‌اید، و عقل همانطور که در موارد قطع به معصیت، ارتکاب عمل را اجازه نمی‌دهد، در موارد احتمال معصیت هم اجازه نمی‌دهد. بنابراین، درمانحن فیه که ما علم اجمالی داریم، اگر بخواهیم بگوییم حکم ظاهری در اینجا محفوظ است، معنایش این است که عقل اجازه معصیت مولا را بدهد؛ و حال آن که عقل چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. نتیجه‌ای که از کلام مرحوم نائینی و کلام مرحوم عراقی استفاده می‌شود، این است که اینها علم اجمالی را علت تامه برای منجزیت تکلیف می‌دانند؛ و بین علم اجمالی و علم تفصیلی از این جهت فرقی وجود ندارد.

هرچند که در کلام نائینی يك عبارتی وجود دارد که از آن استفاده می‌شود گویا ایشان با مرحوم شیخ انصاری موافقت کرده‌اند که بگوییم مخالفت قطعی حرام است اما موافقت قطعی واجب نیست. بعد از مرحوم نائینی و مرحوم عراقی، بزرگان دیگر مثل مرحوم امام و مرحوم آقای خوئی **قدس سرهما** و تلامیذه ایشان نیز با مرحوم آخوند مخالفت کرده و تقریباً همه قائل هستند که علم اجمالی علت تامه دارد.

کلام مرحوم امام خمینی

بیانی که امام **رضوان الله علیه**، در صفحه 160 از جلد اول کتاب **انوار الهدایة** دارند، این است که علم کاشف از متعلق خودش و طریق به متعلق خودش است و فرق نمی‌کند که این متعلق مردد باشد یا مردد نباشد؛ علم کاشفیت دارد. بعد از این که متعلق کشف شد، موضوع حکم عقل محقق می‌شود و عقل حکم به لزوم اطاعت و امتثال مولا می‌کند. موضوع عقل در جایی است که برای ما حکم مولا کشف شود، حال یا بالاجمال برای ما مکشوف باشد و یا بالتفصیل؛ همین مقدار که با علم اجمالی متعلق را کشف می‌کنیم، موضوع حکم عقل به لزوم اطاعت مولا محقق می‌شود. ایشان می‌فرمایند: کسی که در شبهه تحریمه تمام اطراف را بیاورد و کسی که در شبهه وجوبیه تمام اطراف را ترك کند، عقل سلیم چنین شخصی را مذمت کرده و او را عاصی می‌داند. و در این معنا تردیدی وجود ندارد. اشاره هم می‌کنند به کلام مرحوم میرزای قمی که فرموده است معصیت در جایی است که در حین عمل انسان بداند مشغول معصیت است؛ اما اگر بعد از عمل، انسان متوجه شد که معصیت کرده است، دیگر اشکالی ندارد؛ ایشان در نقد این سخن می‌فرمایند: این مطلبی است که با عقل سلیم منافات دارد. همچنین فرموده‌اند: در نزد عقل، همانطور که مخالفت قطعی حرام است، موافقت قطعی هم واجب است؛ هرچند که يك فرق مختصری هم بین این دو وجود دارد - و نمی‌خواهیم الان به این مطلب بپردازیم که آیا مخالفت قطعی حرام است یا موافقت قطعی واجب است؛ این بحثی است که انشاءالله در بحث اصالة الاشتغال باید به آن پرداخته شود ..

اشکال اساسی در کلام مرحوم آخوند

نکته مهم این است که آیا قیاسی را که مرحوم آخوند مطرح کرده‌اند - مانحن فیه را به شبهه غیر محصوره و شبهه بدویه قیاس کرده و فرمود همانطور که در آنها مرتبه حکم ظاهری محفوظ است، در مانحن فیه هم مرتبه حکم ظاهری محفوظ است؛

همانطور که در آنجا مناقضه وجود ندارد، در اینجا هم بین حکم ظاهری و حکم واقعی مناقضه نیست، درست است؛ به عبارت دیگر، آخوند در اینجا يك کبرا ادعا می‌کند که مرتبه حکم ظاهری در موارد علم اجمالی محفوظ است، و بعد این را قیاس می‌کند به دو مورد شبهه غیر محصوره و شبهه بدویه. باید ببینیم این قیاس صحیح است یا نه؟ در شبهه غیر محصوره کثرت اطراف به حدی هست که عقلاً به این احتمال اعتنا نمی‌کنند؛ مثلاً شما بگویید احتمال می‌دهم يك نان از نانوائی‌های قم نجس است؛ یا احتمال می‌دهم در میان تمام لبنیاتی‌ها يك لبنیاتی ظروف نجس دارد؛ این احتمال به اندازه‌ای ضعیف است که عقلاً به آن اصلاً اعتنا نمی‌کنند. در اینجا دیگر مسأله معصیت منتفی است؛ چون احتمال به حدی است که ملحق به عدم می‌شود. بنابراین، مسأله شبهه غیرمحصوره با مانحن فیه فرق می‌کند. در مانحن فیه که ما علم اجمالی داریم و شبهه، شبهه محصوره است، احتمال معصیت، يك احتمال قوی است؛ هر ظرفی را که ما برداریم، اگر دو ظرف باشد، پنجا درصد احتمال می‌دهیم که معصیت مولا را می‌کنیم؛ لذا، احتمال معصیت در اینجا به اندازه‌ای است که عقل نمی‌تواند از آن تغافل کند.

کلام مرحوم آقای خوئی

این جا يك تعبیری مرحوم آقای خوئی قدس سره در مصباح الاصول دارند؛ ایشان می‌فرمایند: ما نمی‌گوییم که در شبهه محصوره، حکم ظاهری جریان ندارد، اما در شبهه غیر محصوره جریان دارد. نمی‌گوییم که شارع در شبهه غیرمحصوره اذن در ارتکاب جمیع اطراف می‌دهد، - بر خلاف مشهور که می‌گویند شارع در شبهه محصوره نمی‌تواند اذن در ارتکاب جمیع اطراف بدهد اما در غیرمحصوره اذن در ارتکاب جمیع اطراف را می‌دهد. - به نظر ما (مرحوم آقای خوئی) وقتی علم اجمالی آمد، شارع دیگر ترخیص در ارتکاب اطراف را نمی‌تواند بدهد و فرقی هم بین قلة الاطراف و کثرة الاطراف نیست. بله، فرق در این است که در شبهه غیرمحصوره، امتثال، امکان ندارد؛ برای این که یا موجب ضرر است و یا موجب حرج؛ اگر انسان بگوید از تمام لبنیاتی‌های قم اجتناب کنید چون ظرف یکی از اینها نجس است، ضرر و یا حرج پیش می‌آید که در این موارد، شارع و عقل، امتثال را لازم نمی‌داند. بنابراین، ایشان از این راه وارد می‌شوند که در موارد شبهه غیر محصوره احراز امتثال امکان ندارد.

اما نکته‌ای که ما می‌خواهیم هم به مطلب اولی که عرض کردیم و هم به این فرمایش مرحوم آقای خوئی اضافه کنیم، این است که اصلاً در شبهات غیرمحصوره ارتکاب جمیع الاطراف محقق نمی‌شود؛ یعنی یکی از شرایط منجزیت علم اجمالی این است که تمام اطراف علم اجمالی محل ابتلا باشد. - اول شخصی که این نظریه را داد، مرحوم شیخ انصاری در رسائل است؛ و ما نیز رساله‌ای در همین موضوع، در آن زمانی که کنگره مرحوم شیخ انصاری در قم تشکیل شده بود، حدود 17 یا 18 سال پیش، به صورت مفصل نوشتیم و چاپ شده است. - بنابراین، روی این مبنا، اصلاً در شبهه غیرمحصوره علم اجمالی منجزیت ندارد؛ چون اطرافش غالباً از محل ابتلا خارج است. در نتیجه، ما می‌توانیم به مرحوم آخوند عرض کنیم که بین علم اجمالی در شبهه محصوره و علم اجمالی در شبهه غیرمحصوره فرق است؛ و شما نباید این دو را به هم قیاس کنید و بگویید همانطوری که در شبهه غیرمحصوره مرتبه حکم ظاهری محفوظ است، در اینجا هم محفوظ است. خیر، چنین نیست. و یا در فرق بین اینها، بیان مرحوم آقای خوئی را عرض کنیم که اصلاً احراز امتثال در موارد شبهه غیرمحصوره ممکن نیست؛ چون مستلزم حرج و ضرر است. لکن عمده این است که قیاس مانحن فیه به شبهه بدویه را چگونه جواب دهیم؟

آخوند می‌فرماید: در شبهه بدوی که نمی‌دانید آیا این واجب است یا واجب نیست، اصالة البرائة عن الوجوب را جاری می‌کنید؛ در حالی که ممکن است در واقع واجب باشد. لذا، همانگونه که در شبهات بدویه بین حکم ظاهری و حکم واقعی جمع می‌کنید و مناقضه بین این دو را حل می‌کنید، در مانحن فیه نیز همان کار را بکنید. نمی‌دانید نماز جمعه واجب است یا نماز ظهر، از هر

کدام اصالة البرائة عن الوجوب را جاری کنید. ببینیم آیا این قیاس مرحوم آخوند درست است یا نه؟ اگر بتوانیم این قیاس را هم جواب دهیم، کلام آخوند بطور کلی کنار می‌رود و دیگر نمی‌توان گفت که علم اجمالی مقتضی است؛ و بلکه باید بگوییم علم اجمالی علیت تامه برای تکلیف دارد. روی این مطلب دقت کنید تا فردا عرض کنیم.